

شهروند مداری پیش‌درآمدی بر توسعه‌ی اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پرنده)

سروش فتحی^۱، فاطمه قابل‌رحمت^۲

چکیده

با افزایش روند نامتوازن شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، شهروندمداری، به عنوان یکی از راهبردهای اساسی توسعه‌ی اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. شهرهای جدید عامل مهمی در کاهش شکاف‌های اجتماعی و جمعیتی بین کلان‌شهرها و روستاها بوده و در متعادل‌سازی و سامان‌دهی سلسله‌مراتب شهری موثر هستند. در کشورهایی با مشخصه‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی، این شهرها می‌توانند با افزایش دسترسی به خدمات و موقعیت‌های شغلی غیر کشاورزی، کمک موثری به یکپارچگی اقتصادی روستایی و شهری و تحول در اقتصاد ملی کنند. این مقاله درصدد است که با استفاده از روش کیفی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک اسنادی، مصاحبه و مشاهدات میدانی به این سوال پاسخ دهد که شهرنشینی در شهرهای جدید تا چه اندازه منجر به شکل‌گیری شهروندی در دوبرهه حقوق و تکالیف شده است. به نظر می‌رسد که در شهرهای جدید، با وجود توسعه‌ی کمی شهرنشینی، پدیده‌ی شهروندی بیشتر در بخش حقوق شهروندی، قابل درک برای ساکنان بوده و در بخش تکالیف شهروندی به صورت ناقص شکل گرفته و نهادینه نمی‌شود. به عبارت دیگر ابعاد اصلی حقوق شهروندی شامل شهروندی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-قومی و جنسیتی به صورت ناقص محقق شده و حاصل آن شهرنشینی است که قواعد و هنجارهای جامعه خود را به خوبی نشناخته و نمی‌تواند رفتارهای اجتماعی خود را با آنها منطبق کند.

واژگان کلیدی: شهرنشینی، شهروندی، شهر جدید، توسعه اجتماعی، شهر جدید پرنده.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۶

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سمنان، ایران (Email: fathi.soroush@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) (Email: fatemeh.ghrahm@gmail.com)

مقدمه

بیش از نیمی از مردم جهان، در شهرها زندگی می‌کنند که این رقم در کشورهای در حال توسعه به ۷۵٪ می‌رسد. نیمی از این جمعیت شهری در شهرهای کوچک و متوسط با جمعیت کمتر از ۳۰۰ هزار نفر ساکن هستند. امروزه در اکثر نقاط جهان شهرنشینی در حال دگرگونی است و توسعه‌ی اجتماعی با پیامدهای ناخواسته‌ای روبرو است. روند رشد شهری ایران تا سال ۱۳۴۵ به سود شهرهای کوچک و متوسط بوده که عموماً به دلیل مهاجرت‌های درون استانی بوده است. اما از سال ۱۳۴۵ با شدت گرفتن یکپارچه‌سازی هرچه بیشتر اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی و درآمد حاصل از نفت روند توسعه شهری به سمت شهرهای متوسط و بزرگ تغییر کرد به نحوی که اکثر مراکز استان‌ها بیشترین افزایش جمعیت را داشتند. اما بعد از انقلاب ۵۷ و با افزایش معضلات ناشی از شهرگرایی و تمرکز نامطلوب جمعیت در شهرهای بزرگ، برنامه‌های توسعه و سیاست‌های عمرانی منطقه‌ای مجدداً و تا حدودی به نفع شهرهای جدید کوچک و روستاها متمایل شده و مدیریت شهری در این نقاط مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات انجام شده در حوزه‌ی جامعه‌شناسی شهری و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی هم، بر مزیت‌های بالقوه‌ی شهرهای جدید کوچک و شهرک‌ها در سرعت بخشیدن به توسعه‌ی روستایی و یکپارچگی اقتصادی روستایی و شهری تاکید می‌کند. شهرهای جدید کوچک عامل مهمی در کاهش شکاف‌های اجتماعی و جمعیتی بین کلان‌شهرها و روستاها بوده و در متعادل سازی و سامان دهی سلسله مراتب شهری موثر هستند. در کشورهایی با مشخصه‌های متنوع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، این شهرها می‌توانند با افزایش دسترسی به خدمات و موقعیت‌های شغلی غیر کشاورزی و ایجاد انگیزه برای تجاری‌سازی کشاورزی، کمک موثری به تحول در اقتصاد مناطق روستایی نمایند. با تسهیل ارتباط بین شهرهای کوچک و نقاط مرکزی، این شهرها قادر خواهند بود نظام اقتصادی یکپارچه‌ای با اقتصاد کل کشور ایجاد کرده و به عنوان مراکز فعال در بازاریابی، خدمات، بازرگانی و حمل و نقل در ابعاد کوچک‌تری فعال شوند.

در آغاز قرن بیستم، تنها ۱۶ شهر در سراسر جهان بودند که جمعیتی بالاتر از یک میلیون نفر داشتند. امروزه بیش از ۴۰۰ شهر هستند که جمعیتی بالاتر از یک میلیون دارند که حدود ۷۰٪ آنها در کشورهای در حال توسعه‌اند. اقتصاد سرمایه‌داری در کنار شهر نشینی، دوگانه‌ای را ایجاد کرده که ملاحظات و برنامه‌ریزی‌های چند بعدی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌طلبد. ۷۲٪ از جمعیت شهری آفریقا در حال حاضر در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند، این نسبت در آسیا و اقیانوسیه ۳۳٪، در امریکای لاتین ۳۲٪ و در خاورمیانه و شمال آفریقا حدود ۳۰٪ است. این نسبت‌ها با جذب مهاجران جدید همراه با افزایش جمعیت بومی، باعث گسترش تعداد اسکان غیر رسمی، حلبی‌آبادها و تشدید مشکلات شهری می‌گردند. (Cohen 2006, 28)

"نظام سرمایه‌داری نظامی است متکی به تقسیم و باز تقسیم مداوم فرایند تولید و لذا به تمرکز دایمی تمایل دارد و شهر که امکان گرد آوردن انبوهی از تولید و مصرف کنندگان در مکانی نسبتاً کوچک را فراهم می‌آورد و نیاز به تقسیم و باز تقسیم مداوم فرایند تولید را زیر یک سقف تحقق می‌بخشد، جایگاه طبیعی چنین نظامی تلقی می‌شود. سرمایه‌داری شهرگرا است و شهر، این دنیای همیشه پر آشوب و پر خروش را به مامن و ماوای خویش بدل می‌سازد تا از آنجا بر جهان فرمان براند. سیر تاریخی تحولات شهری اروپای غربی و ایالات متحده بخوبی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی تکامل سرمایه‌داری و رشد و گسترش کم‌سابقه‌ی شهرنشینی و زندگی شهری است. از همان آغاز سرمایه‌داری، شهرها تولیدکننده‌ی سرمایه به شمار می‌رفتند، وظیفه‌ای که تا به امروز به خوبی حفظ شده است." (پیران ۱۳۶۸، ۳۰)

در کشورهای در حال توسعه، عموماً چند شهر اصلی محلی برای فعالیت‌های بزرگ مقیاس مدرن، وجود زیرساخت‌های اجتماعی، تمرکز نخبگان حاکم و تصمیم‌گیران و امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و تفریحی هستند. این امر به عنوان پیامد توسعه‌ی برون‌زا، سبب می‌شود که مازاد جمعیت روستایی و جمعیت شهرهای کوچک به سمت چند شهر و عموماً مراکز استان‌ها سرازیر شوند. مهاجرت فزاینده همراه با تحولات و دگرگونی‌های جوامع روستایی، بسیاری از ویژگی‌های اصلی روستانشینی را

علی‌رغم خصوصیات منطقه‌ای و ملی، در سراسر کشور به اشتراک می‌گذارد که یکی از آنها شهرنشینی^۱ در شهرهای جدید یا روستاهایی است که به تازگی شهر شده‌اند.

هر کدام از عناصر شهری فضا، اقتصاد، زمان، قدرت و خرده فرهنگ‌های شهری در کنار گونه‌شناسی شهری از جنبه‌های اقلیم و جغرافیا، ترکیب جمعیتی و قومی-زبانی و کارکرد اقتصادی-سیاسی به تنهایی یا در کنار هم می‌توانند بر تحولات شهری موثر باشند. (فکوهی ۱۳۸۳، ۱۶۸) و در ۳۰ سال آینده انتظار می‌رود که عمده‌ی جمعیت در کشورهای در حال توسعه در سکونت‌گاه‌های شهری متمرکز شوند. بسیاری از این ساکنان به دلایل اقتصادی و اجتماعی به سوی شهرهای جدید اطراف شهرهای بزرگ به صورت اسکان رسمی یا غیر رسمی کشیده شده و باعث جابه‌جایی جمعیت می‌شوند. به عنوان مثال در شهری مانند تهران تنها در دهه‌ی ۶۰ پخش جمعیت در نواحی اطراف آن و به وجود آمدن قطب‌های مهاجر پذیر جدید مانند مهرشهر و گوهردشت کرج، اسلام‌شهر و قرچک ورامین باعث کاهش موقتی جمعیت در تهران می‌شود. (پیران ۱۳۶۸، ۳۱) این در حالی است که به علت نامشخص بودن برنامه شهرنشینی و از هم گسیختگی شبکه شهری و روستایی مشخص نبوده‌است که جمعیت کشور باید به چه نسبتی در این مناطق توزیع شوند. روند نامتوازن شهرنشینی در کنار ضرورت توسعه‌ی اجتماعی ما را بر آن می‌دارند تا به شهروندمداری به عنوان یکی از راهبردهای اساسی توسعه‌ی اجتماعی توجهی ویژه داشته باشیم. حال این سوال مطرح است که آیا روند فزاینده‌ی احداث شهرهای جدید و کوچک، توانسته‌است همگام با شکل‌گیری شهروندی^۲ حرکت کند؟ به عبارت دیگر شهرنشینی و شهروندی چگونه در شهرهای جدید (مورد مطالعاتی شهر پرد) شکل می‌گیرند؟ شهرهایی که علاوه بر جذب جمعیت مهاجر از روستا، ساکنانی دارند که قبلاً در مادرشهر ساکن بوده‌اند.

در این مقاله سعی خواهد شد با استفاده از روش کیفی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک اسنادی، مصاحبه با ساختار باز و مشاهدات میدانی به این سوال پاسخ داده شود که شهرنشینی تا چه اندازه منجر به شکل‌گیری شهروندی شده‌است.

ملاحظات نظری

شهر: با توجه به گستردگی و دیدگاه‌های گوناگونی که به عنوان ملاک شهر تلقی شده‌اند، چند عامل زیر در زمان‌های مختلف مبنای تعریف شهر بوده‌اند:

- شهر پدیده‌ای بوم‌شناختی (اکولوژیک) است که از کار جمعی انسان‌ها پدید آمده و رشد کرده و با محیط اطراف خود هماهنگ شده و متأثر از عوامل طبیعی نیست.
- وسعت هم ملاک دیگری برای تعریف مفهوم شهر است. شهرها معمولاً در مقایسه با سایر سکونت‌گاه‌های انسانی از بزرگی و وسعت بیشتری برخوردار هستند.
- جمعیت هم از متداول‌ترین ملاک تمایز شهر از روستا است که در هر زمان و مکانی با ملاکی قراردادی مبنای قرار گرفته‌است.

عوامل دیگری مانند وجود سازمان‌های اداری و مقر حاکمیت و اعمال قدرت، احساس آزادی، امکان رشد خلاقیت و استعدادها، محل از خود بیگانه‌شدن، اختلاط عام و خاص از هر نوع مقام و منزلت، اشتغال به کارهای غیر کشاورزی، مامن خانوادگی هسته‌ای در تعریف شهر موثر هستند. با این وجود نمی‌توان تعریف مشخصی را برای شهر در نظر گرفت زیرا که هر شهری رنگ و بوی جامعه‌ای معین را به خود می‌گیرد و همین موضوع رسیدن به تعریفی جامع و مانع را از شهر غیرممکن می‌سازد. (پیران ۱۳۶۹،

^۱ Urbanization

^۲ citizenship

شهر کوچک: شهر کوچک نوع مشخصی از اندازه، وسعت و ابعاد را در ذهن متبادر می‌کند. ایده‌ی شهر کوچک در نظر افلاطون شهری است که جمعیتش از ۵۰۴۰ نفر تجاوز نکند. در ایران واژه‌ی شهر کوچک اولین بار در مطالعات طرح آمایش سرزمین در ۱۳۵۶ صورت گرفته است که در آن شهر کوچک به این صورت تعریف شده است: شهر کوچک باید در خدمت دشتهای کوچک منزوی و مناطق حاشیه‌ای و رابطی برای انتقال نفوذ مراکز شهری سطوح بالاتر باشد. تمام این شهرها با یک مرکز مهم شهری ارتباط داشته و جزو لاینفک حوزه‌ی نفوذ آن محسوب می‌شوند. این وابستگی در اکثر زمینها مانند خدمات بانکی، عمومی، بازرگانی، تامین نیازمندی‌های ساکنین و ... بوده و حوزه‌ی آنها کمتر از ۲۰ کیلومتر و میزان جمعیت آنها کمتر از ۲۰ هزار نفر است.^۱

طبقه بندی زنجانی از شهرها به صورت زیر است:

- شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر (شهر کوچک)
- شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر (شهرهای میانی کوچک)
- شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر (شهرهای میانی بزرگ)
- شهرهای بیش از ۲۵۰ هزار نفر (شهرهای بزرگ)
- مکان‌های کمتر از هزار نفر (روستا) (زنجانی ۱۳۷۱، ۱۳۹)

شهرنشینی^۲: جامعه‌شناسی شهرنشینی به طور کلی به مطالعه‌ی شهری در حوزه‌ها و جنبه‌های متفاوت گفته می‌شود. در طراحی شهری و معماری، شکل و ساختار شهر اهمیت دارد اما در جامعه‌شناسی شهرنشینی بیشتر بر تعاملات اجتماعی و جوامعی تاکید می‌کند که در زمینه‌ی شهر وجود دارند. مورخان مشخصاً علاقه‌مند به الگوهای تاریخی تغییرات شهری هستند. آنچه تمام این حوزه‌ها بر آن متمرکز هستند سکونت‌گاه‌های شهری و مسائل مربوط به آن و راه‌حل‌های بالقوه به آنهاست. توجه به شهرنشینی در دو دهه‌ی اخیر افزایش چشمگیر داشته است و به شاخه‌های مختلفی مانند، شهرنشینی جدید، شهرنشینی روزمره، شهرنشینی چند فرهنگی، شهرنشینی موروثی تقسیم شده است و می‌توان شهرنشینی را به عنوان یک علم بین رشته‌ای دسته‌بندی کرد. یکی از اصلی‌ترین دلایل برای افزایش توجه به این رشته، این است که در دوران پسا صنعتی و در جامعه‌ی جهانی، بسیاری از دیدگاه‌ها درباره‌ی سکونت‌گاه‌های شهری پرابلماتیک است و این جنبه‌ی نرمال مطالعه‌ی شهرنشینی و شهرگرایی است و این مطالعات سعی می‌کنند که که نگاهی جدید و بازاندیشانه به چگونگی ایجاد سکونت‌گاه‌های پایدار انسانی داشته باشند. (talen2008, 516)

شهروندی^۳: شهروندی به عنوان یک مفهوم برساخته، تابعی از بسترهای اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی هر جامعه است و به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مولفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه‌ی مدرن است که برخوردار از حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی کارآمد و پویا است.

"شهروندی در دوران معاصر دربرگیرنده‌ی موارد ذیل است:

- شهروندی اقتصادی یا پذیرش حق افراد جامعه در دستیابی به شغل خلاق و با معنا، بهره‌مندی یکایک افراد یا اعضای جامعه از امکانات کشور. پایان بخشیدن به نابرابری‌های مادی صنعتی و خاتمه دادن به فعالیت انواع گروه‌های ذی‌نفوذ.
- شهروندی اجتماعی یا مشارکت فعال افراد جامعه در سطوح مکانی مختلف از خرده محل گرفته تا کل کشور، برابری فرصت‌ها، دسترسی به آموزش و پرورش در سطوح مختلف، دسترسی به امکانات بهداشتی. گذران اوقات فراغت

^۱ منبع: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی. www.bhrc.ac.ir

^۲ Urbanism: از نظر لغوی به معنای شهرگرایی یا ایدئولوژی است که زندگی در شهر را هدف اصلی قرار می‌دهد، همچنین شاخه‌ای از مطالعات جامعه‌شناسی شهری است اما به دلیل سهولت در پرداختن به مفهوم مورد نظر در این تحقیق به شهرنشینی و تمایل به شهرنشینی بکار گرفته شده است.

^۳ citizenship

خلاق. تعلق عرصه‌ی عمومی به یکایک اعضای جامعه. پذیرش انواع زندگی انجمنی. دسترسی به امکانات رفاه اجتماعی و خدمات اجتماعی.

- شهروند مدنی یا پذیرش آزادی افراد جامعه، آزادی بیان، آزادی انتخاب عقیده و مذهب، حفاظت از فرد در مقابل اقدامات غیر قانونی حکومت و صاحبان قدرت و اقتدار در هر سطحی، برابری در مقابل قانون، ممنوعیت تبعیض.
- شهروندی سیاسی یا پذیرش حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، دسترسی برابر به اطلاعات، پذیرش حق گردهمایی و شرکت در اجتماعات، پذیرش حق اعتصاب. ایجاد شرایط و فرصت برابر در زمینه‌ی مبارزه‌ی سیاسی و پاسخگویی تمامی مقامات کشور در تمامی سطوح در مقابل یکایک شهروندان.
- شهروندی جنسیتی یا لغو تمامی موارد تبعیض علیه زنان در تمامی زمینه‌ها و سطوح.
- شهروندی فرهنگی-قومی یا پذیرش حق اقلیت‌های قومی و فرهنگی در حفظ هویت قومی و فرهنگی، تولید فرهنگ مادی و غیر مادی اقوام و خرده فرهنگ‌ها. پذیرش سبک زندگی اقوام، زیان آنان و نظایر آن.
- شهروند جهانی یا حق مهاجرت و انتخاب محل زندگی، پذیرش حقوق گوناگون مهاجران، مبارزه با تبعیض بر پایه‌ی حق اقامت قانونی و پذیرش حقوق شهروندی اقتصادی، اجتماعی، مدنی، سیاسی، جنسیتی و فرهنگی-قومی مهاجران." (پیران ۱۳۸۲، ۱۰)

شهروندی علاوه بر منابع، نیازمند بستری مناسب است که در آن جامعه‌ی مدنی قدرتمند، حضور مردم در عرصه‌های عمومی فعال و به تبع آن تمام ارکان جامعه، در سرنوشت خود سهیم هستند. وجود و فعالیت تشکلهای و نهادهای اجتماعی میانی زمینه‌ی لازم را برای رشد آگاهی از حقوق و به ویژه وظایف شهروندی فراهم می‌سازد. (فتحی، مختارپور ۱۳۹۰، ۳)

از منظر جانوسکی شهروندی عضویت فعال یا منفعل افراد در دولت-ملت با حقوق و تکالیف معین در برابری است. شهروندی با عضویت در یک دولت-ملت شروع می‌شود و می‌تواند بر به صورت فعال بر سیاست و حقوق به صورت قانونی اثرگذار باشد و مطابق قانون از حقوقی برابر برخوردار است (Janoski, gran2002, 14). در ترکیبی از نگرش‌های مدرن و پست‌مدرن کیمیلیکا^۱ نظریه‌ی شهروندی چند فرهنگی^۲ را مطرح کرده است که به معنای ضرورت اعطای شهروندی به تمامی گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های فرهنگی است. نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه نمود نقش و تاثیر دولت، نهادهای رسمی و جنبش‌های اجتماعی جدید در تقویت زمینه‌های شکل‌گیری شهروندی است. (توسلی، نجاتی حسینی ۱۳۸۳، ۵). بودریار هم در تحلیل جامعه فرا صنعتی دگرذیسی شهروندان به مصرف‌کنندگان را مطرح می‌کند، یعنی همان طور که در تحول از نظام کهن به عصر جدید، جانشینی مفهوم شهروند به جای رعیت صورت می‌گیرد، در عصر پسامدرن شهروند به جایی می‌رسد که آنچنان مسحور جلوه‌های جالب می‌شود که موضع انتقادی خود را از دست می‌دهد و به صورت ماشینی مصرف‌کننده بدل می‌شود. در صورت‌بندی پسامدرن این شرایط مطلوب نظام‌های سیاسی و ساختارهای قدرت گسترش می‌یابد. مفاهیم فشن و برند و مارک به عنوان مولفه‌های شناساگر مصرف‌کنندگان در می‌آیند. این دال‌ها افراد یا مصرف‌کنندگان را به سمت مشخصی هدایت می‌کنند و جنبه همگانی پیدا می‌کنند، بودریار از آن تحت عنوان تشخص نام می‌برد. (نوذری ۱۳۹۵، www.cgie.org.ir)

با در نظر گرفتن موارد مذکور می‌توان فهمید که همواره شهروندمداری به عنوان یکی از راهبردهای اساسی توسعه‌ی اجتماعی مطرح بوده است.

روش تحقیق

1 Will Kymlicka

2 Multicultural citizenship

در این تحقیق از روش کیفی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک اسنادی، مصاحبه با ساختار باز و مشاهدات میدانی استفاده شده است. مصاحبه‌ها با ۱۷ نفر از ساکنان شهر جدید پرند و در سال ۱۳۹۵ انجام شده است که مجموعاً مصاحبه‌ی ۱۰ نفر از آنان قابل استفاده بوده است. همچنین مشاهدات میدانی غیر مشارکتی به صورت هفتگی و به مدت دو ماه در نقاط پر تردد شهر جدید پرند مانند ایستگاه‌های خودرو بین شهری، میادین اصلی، خیابان‌های اصلی، ایستگاه وسایل حمل و نقل عمومی، مراکز خرید مایحتاج عمومی و پارک‌ها صورت گرفته است. به دلایل اخلاقی نام و آدرس مصاحبه‌کنندگان ذکر نشده است. اسناد مورد استفاده، کتاب‌ها، مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد.

یافته‌ها

مورد مطالعه‌ی این تحقیق، شهر جدید پرند (پرند به معنای پارچه‌ی ابریشمی بی‌نقش و نگار و ساده)، شهری تازه تاسیس در نزدیکی شهرستان رباط کریم در استان تهران بوده که در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی شهر تهران و در مسیر آزاد راه تهران-ساوه واقع شده است. (شکل شماره ۱)

شهر جدید پرند که بر مبنای دو ضرورت اصلی اسکان بخشی از سرریز جمعیتی مجموعه شهری تهران و نیز اسکان کارکنان فرودگاه امام خمینی ایجاد گردیده است. به موجب جایگاه و موقعیت نسبی مناسب آن (موقعیت این شهر نسبت به شبکه راه ارتباطی آزادراه تهران - ساوه، شبکه ریلی پروژه خط مترو تهران - پرند، نزدیکی به فرودگاه امام و...) از اهمیت و نقش‌پذیری بیشتری در طرح‌ها و برنامه‌های واگذاری مسکن در قالب سیاست‌های جدید دولت برخوردار شده است. این شهر در قالب طرح‌های واگذاری زمین‌های اجاره‌ای ۹۹ ساله (مسکن مهر) و در چارچوب قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (مصوب ۸۷/۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی) از موقعیت متفاوتی در جمعیت‌پذیری و سامان‌یابی جمعیت و فعالیت در مجموعه شهری تهران برخوردار شده است.

براساس برنامه‌های دولت در جهت حل معضل مسکن به ویژه در مورد تامین مسکن جمعیت فاقد مسکن در کلانشهرها از طریق اسکان آنها در شهرهای جدید پیرامونی، براساس مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری (۸۶/۱۲/۲۷) سقف جمعیت‌پذیری شهر جدید پرند ۴۸۵ هزار نفر جمعیت در نظر گرفته شده است. (این افق جمعیتی تا سقف ۷۰۰ هزار نفر طبق آمارهای غیر رسمی افزایش یافته است در حالی که جمعیت پیش‌بینی شده اولیه در افق طرح ۸۰۵۰۰ نفر با تراکم ناخالص ۷۹/۵ نفر در هکتار بوده است!).

حریم شهر پرند براساس مطالعات طرح جامع آن از شرق منطبق بر حریم شهر رباط کریم، از جنوب محدود به رودخانه شور و از غرب محدود به مرز شهرستان شهریار و از شمال به ارتفاعات تخت رستم محدود می‌گردد. مساحت پیش‌بینی شده ۹۵۳ هکتار بدون حریم و با حریم اراضی لبه شهری ۱۰۱۳/۶ هکتار بوده است. منطقه بندی شهر جدید پرند در چارچوب اهداف طرح توسعه و عمران با توجه به هماهنگی عناصر مختلفی همچون توپوگرافی، هیدرولوژی، پوشش گیاهی، نوع و جنس خاک و ... در قالب سه منطقه انجام گرفته است.

منطقه شمالی اراضی که مشخصه بارز آن وجود ارتفاعات و ناهمواری هاست و امکان استقرار کاربری‌های شهری مگر با اختصاص هزینه‌های بالا ممکن نیست. می‌توان از این منطقه برای طراحی مجتمع‌های فراغتی و تفریحی در سطح فرامنطقه‌ای استفاده نمود. منطقه میانی اراضی که ویژگی آن همواری و شیب ملایم و یکنواخت است. در این حوزه عناصر طبیعی که مانعی در برابر توسعه باشد وجود ندارد و همچنین با توجه به نوع و جنس خاک، این حوزه مناسب‌ترین منطقه برای استقرار عناصر اصلی شهری محسوب می‌شود و برنامه‌ریزی‌ها و طراحی عمده هسته اصلی و کاربری‌های مجاور آن، در این منطقه باید صورت گیرد. منطقه جنوب اراضی که به دلیل وجود ناهمواری‌ها و مسیل رودخانه شور در امتداد جنوب، اراضی نامناسبی محسوب شده و کاربری‌های خاصی را با شرایط ویژه می‌توان در این حوزه استقرار داد که از جمله آن می‌توان به استقرار فضای سبز و فضای ورزشی و تفریحی اشاره کرد.

محدوده شهر جدید پرند از موقعیت استقرار منطقه‌ای خاصی برخوردار است که اعم و ویژگی‌های آن را می‌توان چنین برشمرد:

الف- نقطه تلاقی حوزه‌های کرج - شهریار و اسلامشهر - رباط کریم
محدوده‌ی مورد نظر به عنوان محل تلاقی و همپوشانی دو حوزه‌ی مهم مجموعه‌ی شهری تهران به شمار می‌رود. که اولی (کرج - شهریار)، براساس مطالعات طرح مجموعه شهری محل استقرار ۳/۸ میلیون نفر و دومی (اسلامشهر - رباط کریم) محل سکونت ۱/۹۶ میلیون نفر در افق ۱۴۰۵ خواهد بود.

ب- قرارگیری در حدفاصل سه مرکز ملی تبادل کالا و مسافر کشور در فراسوی کمربند سوم تهران
موقعیت ویژه‌ی محدوده مورد مطالعه و قرارگیری آن در مجاورت سه مرکز مهم حمل و نقل کالا و مسافر کشور (فرودگاه بین‌المللی امام خمینی، فرودگاه پیام و ایستگاه آپرین)
عوامل متعددی در تعیین شتاب فرآیند جمعیت‌پذیری شهرهای جدید به طور عام و از جمله شهرهای جدید در مجموعه شهری تهران مانند پرند مشاهده می‌شود که عبارتند از:

- افزایش جمعیت تهران با توجه به پیش‌بینی ظرفیت خدمات رسانی برای ۱۰/۲ میلیون نفر
- تسریع در روند افزایش توان جمعیت‌پذیری شهرهای میانی از طریق مسکن مهر در مقیاس وسیع
- مشکلات موجود در زمینه تامین زیرساخت‌های شهری خصوصاً تامین آب و نیز تاخیر در امتداد خط یک مترو تهران تا شهر پرند.

- مشکلات موجود در زمینه توسعه‌ی مراکز کار و فعالیت در سطح شهر پرند و حوزه بلافاصل آن خصوصاً شهر فرودگاهی امام خمینی. (معرفی شهر جدید پرند ۱۳۹۲، <http://www.parand-ntoir.gov.ir>)



شکل (۱): نقشه شهر پرند (منبع سایت شرکت عمران شهر جدید پرند، www.parand-ntoir.ir)

با توجه به استفاده از روش مصاحبه با ساختار بازاستفاده شده در این تحقیق، جدول زیر مشخصات افراد مصاحبه شده را نشان داده و یافته‌های حاصل از آن به صورت خلاصه ذکر می‌گردد.

جدول (۱): مشخصات افراد مصاحبه شده ساکن شهر جدید پرند

ردیف	جنسیت/وضعیت تاهل	سن	شغل	مدت اقامت	اصالت	محل کار	وسایله رفت و آمد	میزان تحصیلات
۱	مرد/متاهل	۴۹	کارمند ایران خودرو	۴ سال	شبستر	تهران	سرویس کارخانه	لیسانس
۲	مرد/مجرد	۲۸	خرید و فروش	۲ سال	اراک	بازار تهران	وسایل نقلیه عمومی	دیپلم
۳	زن/جداشده	۳۵	کارگر	۵ سال	تاکستان	ساوه	سرویس کارخانه	دیپلم
۴	مرد/متاهل	۲۶	بیکار	۶ ماه	پارس آباد مغان	-	وسایل نقلیه عمومی	سیکل
۵	زن/متاهل	۵۷	خانه‌دار	۷ سال	قم	-	-	دیپلم
۶	مرد/جداشده	۵۲	بازنشسته/آژانس املاک	۸ سال	فیروزکوه	پرند	وسایله شخصی	لیسانس
۷	مرد/متاهل	۴۰	کارگر فنی	۲ سال	ابهر	تهران	وسایل نقلیه عمومی	دیپلم هنرستان
۸	مرد/متاهل	۳۷	مهندس/کارخانه	۴ سال	همدان	تهران	وسایله شخصی	فوق لیسانس
۹	مرد/مجرد	۲۲	دانشجو	۱ سال	ایلام	-	وسایل نقلیه عمومی	دانشجوی لیسانس
۱۰	زن/مجرد	۳۵	کارمند اداره دولتی	۴ سال	خمین	ساوه	وسایل نقلیه عمومی	لیسانس

بجز دو نفر، بقیه‌ی افراد تعریفی از مفهوم شهروند (حقوق و تکالیف) نداشتند. در حوزه شهروندی اقتصادی، هیچ کدام از افراد از وضعیت شغلی و درآمد خود اظهار رضایت نمی‌کردند. در حوزه‌ی شهروندی اجتماعی ۶ نفر معتقد بودند که میزان دسترسی به نهادهای آموزشی در سطوح مختلف، امکانات بهداشتی و درمانی مانند بیمارستان و محل‌های مناسب برای گذران اوقات فراغت در شهر جدید پرند بسیار ناچیز است و بقیه افراد رضایت نسبی داشتند. در حوزه‌ی شهروندی سیاسی، ۴ نفر در زمان اقامتشان در پرند در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شرکت کرده بودند. دو نفر تنها در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند. ۵ نفر اظهار کردند که اخبار روز را از طریق تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام پیگیری می‌کنند. در حوزه‌ی شهروندی جنسیتی، زنان محیط شهر پرند را ناامن و غیر قابل تردد در شب توصیف کردند. در حوزه‌ی شهروندی فرهنگی-قومی تمامی افراد اظهار داشتند که تمایل دارند آداب و رسوم شهر زادگاهشان را در زمان اقامتشان در مقصد جدید هم حفظ کنند. ۴ نفر ترجیح می‌دادند که با زبان اصلی خود صحبت کنند. در مجموع برداشت افراد از مفهوم شهروند بیشتر بر حقوق شهروندی مبتنی بوده و شناخت کمی از تکالیف شهروندی وجود داشت.

بررسی و تحلیل یافته‌ها

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در ایران ۱۳۳۱ شهر وجود دارد در حالی که جمعیت شهرنشین ما مطابق سرشماری فوق بیش ۷۱ درصد از کل جمعیت کشور است ولی اغلب شهرهای ما از لحاظ ویژگی، کالبد و کارکرد، ماهیت روستایی دارند و عده زیادی از

ساکنان آنها با آداب و رسوم، ویژگی‌ها و هنجارهای زندگی شهری آشنایی لازم را ندارند. به غیر از شهرهای بزرگ، لازم است دو دسته دیگر در این حوزه از هم تفکیک شود، اول شهرهای کوچکی که از توسعه‌ی روستاها از نظر وسعت و جمعیت پدید آمده‌اند و به عنوان مثال می‌توان محمدشهر و کمال‌شهر کرج که قبلاً محمدآباد و کمال‌آباد بوده را نام برد. دسته‌ی دوم شهرهای جدیدی هستند که با هدف کاهش فشارهای جمعیتی وارد شده به شهرهای بزرگ احداث شده‌اند، شهرهای جدیدی مانند پرد، پردیس، شهر جدید هشتگرد در اطراف تهران و کرج و شهر جدید گل‌بهار در اطراف مشهد از این دسته هستند. مورد مطالعه‌ی این تحقیق شهر جدید پرد، شهری تازه تأسیس در نزدیکی شهرستان رباط کریم در استان تهران است. این شهر در ۳۳ کیلومتری جنوب‌غربی شهر تهران و در مسیر آزادراه تهران - ساوه واقع شده است.

شهرهای جدید بر اساس مبانی نظری باغ‌شهرها و روند تکاملی آن برنامه‌ریزی و احداث شده‌اند و طی نیم قرن اخیر دگرگونی‌هایی در اهداف و نقش آنها به وجود آمده است. در ایران شهرهای جدید در دو دوره‌ی قبل و بعد از انقلاب قابل تقسیم‌بندی هستند. برنامه‌ریزی شهرهای جدید قبل از انقلاب مبتنی بر اهداف سیاسی، نظامی، آرایه‌ی مسکن، اسکان شاغلان بخش صنعت به خصوص صنعت نفت قرار داشت. به جز دو شهر فولاد شهر و شاهین شهر، بیشتر شهرهای جدید احداث شده منطبق بر مبانی نظری شهرهای جدید نیستند. بعد از انقلاب بر اساس اهداف ساماندهی فضایی مادر شهرها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ، ارائه‌ی مسکن و اسکان جمعیت، شهرهای جدیدی احداث شدند. اما نحوه‌ی پیشرفت کار و اسکان در شهرهای مذکور با اهداف و برنامه‌ی زمان‌بندی پیشرفت کار آنها منطبق نبوده است. از نظر کارکرد هم شهرهای جدید با یک شهر واقعی فاصله‌ی بسیار دارند. (زیاری، ۱۳۸۱، ۲۹)

در بررسی مسائل و مشکلات شهرهای جدید، یکی از اصلی‌ترین موضوعات، بررسی دلایل عدم موفقیت شهرهای جدید در ایران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به مقطعی بودن افزایش شدید نرخ رشد جمعیت کشور و مهاجرت گسترده روستا به شهر به صورت جهشی و پایین‌تر بودن ظرفیت توسعه‌ی کوتاه مدت شهر نسبت به نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵، ضرورتی برای ایجاد شهرهای جدید در پیرامون شهرهای مادر کشور وجود نداشته است.

از عمده دلایل عدم موفقیت این شهرها در جذب جمعیت را می‌توان نبود برنامه‌ای جامع برای انتقال صنایع از مادر شهرها به شهرهای جدید و خوابگاهی شدن آنها، نبود سیستم حمل و نقل عمومی کارآمد میان مادر شهر و شهر جدید، عدم قطعیت در پیش‌بینی تعداد و گروه‌بندی جمعیت، وضعیت اقتصاد و درآمد خانوارهای شهرهای جدید، ضعف در مکان‌یابی، عدم حمایت دولت و نهادهای ذی‌ربط، کندتر بودن روند افزایشی قیمت اراضی در شهرهای جدید نسبت به مادرشهرها، رکود اقتصادی و افزایش نرخ تورم در مقاطعی از دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۲ و نگرش صرفاً کالبدی در تهیه‌ی برنامه‌ها و عدم توجه به خواست و نیاز مردم توسط برنامه‌ریزان دانست. (حاتمی‌نژاد، حاجی‌نژاد، مانی، قضایی، ۱۳۹۲، ۲۲)

در سال ۱۳۹۴ وزارت راه و شهرسازی طرح ایجاد ۸ شهر جدید در کشور را تدوین کرد تا تعداد کل شهرهای جدید از ۱۶ به ۲۴ افزایش پیدا کند. شهرهای جدید طبق قانون در فاصله‌ای نزدیک کلان‌شهرها با هدف جذب جمعیت سرریز، احداث می‌شوند. هر چند تجربه ۱۶ شهر جدید فعلی که ۴ تا ۵ آنها در اطراف تهران قرار دارند، نشان می‌دهد ایجاد این مناطق برای جذب دائمی جمعیت چندان موفق‌آمیز نبوده است، اما در طراحی جدید، قرار است مکان‌یابی شهرهای جدید با اولویت اشتغال انجام شود تا این مناطق صرفاً به خوابگاه جمعیت روز کلان‌شهرها تبدیل نشود! در حال حاضر تقریباً همه ساکنان شهرهای جدید اطراف تهران، در طول روز برای کار و فعالیت به تهران سفر می‌کنند و صرفاً برای اقامت شبانه از پایتخت خارج می‌شوند. (موقعیت ۸ شهر جدید، ۱۳۹۴، ۱)

شهرهایی مانند پرنده، پردیس، گلپهار و بهارستان از جمله شهرهای جدیدی هستند بیشتر به عنوان خوابگاه در نظر گرفته می‌شوند. این روند باعث شده جمعیت روز شهری مانند تهران و یا مشهد فاصله زیادی با جمعیت شب آن داشته باشد و خدمات محدود این شهر بین ساکنان اصلی و ساکنان روز، توزیع شود. شهرهای جدید «پارس» در عسلویه، «طیس» در چابهار، «هورا» در همدان، «شهرک طوسان» در مازندران، «خوارزمی» در استان تهران، «ایوانکی» در سمنان، «پرنیان» در قم و «لارستان» در استان فارس نسل نو شهرهای جدید هستند.

با بررسی وضعیت شهرهای جدید مخصوصاً در استان‌هایی مانند تهران و خراسان رضوی، می‌توان مشاهده کرد که برنامه و اقدام عملی برای انتقال صنایع به شهر جدید در نظر گرفته نشده است. همچنین سکونت در شهرهای جدید مانند پرنده، تحت تاثیر نبود وسایل حمل و نقل عمومی، وابسته به خودروی شخصی شده و برای خانواده‌های کم درآمد به سادگی امکان پذیر نیست. در نتیجه اکثر افراد شاغل طبقات متوسط و پایین، به دلیل نبود امکان اشتغال در شهر جدید، یا امکان سکونت در این شهرها را ندارند و یا در صورت سکونت بخش عمده‌ای از زمان خود را خارج از محل سکونت اشان سپری می‌کنند. ترکیب گروه‌های جمعیتی پیش‌بینی شده برای این شهرها هم از مواردی است که تا حد زیادی مطابق با مادر شهر در نظر گرفته شده، این در حالی است که ساکنان این شهرها را اکثراً جمعیت جوان تشکیل می‌دهند و نیازهایی متفاوت با قشر میان‌سال دارند. این عوامل در کنار ساخت و ساز سریع و بی‌رویه‌ی مسکن، برنامه‌ریزی و اطلاع از وضعیت درآمدی و فرهنگی خانواده‌ها را مشکل کرده است.

این شهرها علاوه بر کسانی که به ناچار و به دلایل عمدتاً اقتصادی از مادر شهر آمده‌اند، جمعیت مهاجر روستایی و حاشیه‌نشینان و کسانی را در خود جای می‌دهند که قبلاً در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی اطراف مادر شهر اقامت داشتند. این مجموعه‌ی جدید به دلیل خاستگاه‌های متفاوت، دارای فرهنگ و آداب و رسوم متفاوتی بوده و عموماً خرده فرهنگ‌هایی را در شهرهای جدید ایجاد می‌کنند. از طرف دیگر اکثر افراد، به دلیل نبود بازار کار و زمینه‌های اشتغال، کمبود امکانات تحصیلی و درمانی و سایر خدمات شهری در شهر جدید، مجبور به رفت و آمد به مادر شهر به صورت روزانه هستند، همچنین به دلیل بومی نبودن و تعلقات قومی متفاوت، وابستگی ذهنی ضعیفی نسبت به محل زندگی خود یعنی شهر جدید دارند. این موضوع در کنار حس تعلق افراد میان‌سال و کهن‌سال در مادر شهرها به شهر خود از طرفی و شکل شهرهای جدید و عدم تناسب آن با خواسته‌های این گروه، نوعی گروه‌بندی جمعیتی خاص را در این شهرها ایجاد کرده است. با این توضیحات به نظر می‌رسد که دو مولفه‌ی امتناع شهروندی (شکل‌نگرفتن زمینه‌ها و بسترهای تقویت‌کننده شهروندی) و عدم امکان شهروندی (عدم وجود زمینه‌های بستر ساز شهروندی) باعث شده‌اند که ابعاد اصلی حقوق شهروندی شامل شهروندی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی-قومی و جنسیتی به‌کندی و به صورت ناقص محقق شود. به عبارت دیگر در شهرهای جدید، با وجود توسعه‌ی کمی شهرنشینی، پدیده‌ی شهروندی بیشتر در بخش حقوق شهروندی قابل درک برای ساکنان بوده و در بخش تکالیف شهروندی به صورت ناقص شکل گرفته و نهادینه نمی‌شود و حاصل آن شهرنشینی است که قواعد و هنجارهای جامعه خود را به خوبی نشناخته و نمی‌تواند رفتارهای اجتماعی خود را با آنها منطبق کند.

نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین عوامل موثر بر توسعه‌ی همه‌جانبه، سرمایه‌ی اجتماعی است و شهروندی مولفه‌ای است که تحقق آن، بر این سرمایه می‌افزاید. همچنین شهروندمداری به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهبردها، نقش مهمی را در توسعه‌ی اجتماعی کشورهای در حال توسعه بازی می‌کند. گسترش شهرهای جدید به عنوان بخشی از جامعه‌ی کشورهای در حال توسعه، می‌تواند در کنار نقشی که در این فرایند بازی کند، پیامدهای ناخواسته‌ای را هم به دنبال داشته باشد. محقق نشدن اهداف در نظر گرفته‌شده برای شهرهای جدید در سال‌های اخیر، ساختارهایی را به وجود آورده که از منظرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناکارآمد عمل کرده است. از عمده دلایل عدم موفقیت این شهرها در جذب جمعیت می‌توان نبود برنامه‌ای جامع برای انتقال صنایع از مادر شهرها به شهرهای جدید و خوابگاهی شدن آنها، نبود سیستم حمل و نقل عمومی کارآمد میان مادر شهر و شهر جدید، عدم قطعیت در پیش‌بینی

تعداد و گروه‌بندی جمعیت، وضعیت اقتصاد و درآمد خانوارهای شهرهای جدید، ضعف در مکان‌یابی، عدم حمایت دولت و نهادهای ذی‌ربط، رکود اقتصادی و افزایش نرخ تورم و نگرش صرفاً کالبدی در تهیه‌ی برنامه‌ها و عدم توجه به خواست و نیاز مردم توسط برنامه‌ریزان را نام برد. این عوامل در کنار الزامات زندگی شهرنشینی و افزایش جمعیت ناهمگن از نظر فرهنگی و اقتصادی، نبود بازار کار و زمینه‌های اشتغال، کمبود امکانات آموزشی، درمانی و تفریحی در این شهرها جامعه‌ی شهرنشینی را شکل داده است که نتوانسته است بستری مناسب برای شکل‌گیری شهروندی فراهم کند. شهروندی که عضو کامل و برابر یک اجتماع سیاسی به حساب می‌آید و هویت اش با مسئولیت‌ها و وظایف تعریف شده در آن اجتماع سیاسی شکل می‌گیرد. شهرنشین ساکن در شهرهای جدید نمی‌تواند درگیر عمل شود و کسی که درگیر عمل نشود، شهروند تلقی نمی‌شود، در نتیجه، عضویت کامل اجتماعی سیاسی که با انجام تکالیف و وظایف شهروندی امکان پذیر خواهد بود، محقق نشده و در دراز مدت شهرنشین به شهروند تبدیل نخواهد شد.

منابع

۱. پیران، پرویز (۱۳۶۸). توسعه‌ی برون‌زا و شهر ۱: مورد ایران. نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۰، صفحه‌ی ۴۵-۴۹.
۲. پیران، پرویز (۱۳۶۸). توسعه‌ی برون‌زا و شهر ۲: مورد ایران. نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۱، صفحه‌ی ۴۳-۴۶.
۳. پیران، پرویز (۱۳۸۲). مباحث کاربردی/سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاک). نشریه رفاه اجتماعی. شماره ۱۰، صفحه‌ی ۱۱۹-۱۵۴.
۴. توسلی، غلامعباس، نجاتی حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران دوره ۵، شماره ۲، صفحه‌ی ۳۲-۶۲.
۵. حاتمی، نژاد، حسین، حاجی‌نژاد صادق، زمانی، زهرا، قضایی، محمد (۱۳۹۲). فصلنامه‌ی علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۲، شماره ۵، صفحه‌ی ۸۸-۴۷-۵۷.
۶. موقعیت ۸ شهر جدید (۱۳۹۴). روزنامه دنیای اقتصاد. تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۰۱/۲۲، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۷/۱۰.
۷. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۰). مباحث و روش‌های شهرسازی. وزارت مسکن و شهرسازی.
۸. زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۱). برنامه ریزی و کارکرد شهرهای جدید در ایران. نشریه محیط‌شناسی، شماره ۲۹.
۹. معرفی شهرپرد (اهداف و ویژگی‌ها)، سایت شرکت عمران شهر جدید پرد. تاریخ بازدید ۲۰ شهریور ۱۳۹۵. www.parand-ntoir.gov.ir.
۱۰. فتاحی، سروش، مختارپور، مهدی (۱۳۹۰). توسعه‌ی شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی. مجله‌ی مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال سوم، شماره چهارم. صفحه‌ی ۸۹-۱۰۵.
۱۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. نشر نی.
۱۲. نوذری، حسین‌علی (۱۳۹۵). قرن بیستم قرن چرخش فرهنگی است. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تاریخ انتشار ۱۸ آبان www.cgie.org.ir.

1. Cohen, Barney (2006). urbanization in developing countries: current trends, future projection and key challenges for sustainability. technology in society no 28, page 63-80
2. Talen, Emily (2008). principles of urbanism. proposed GCU 516
3. Janos Ki, Thomas & Brian gran (2002). handbook of citizenship studies, London, sage publications.